

و حین حدیث و برین بنده کوشش بیشتر است چنانکه علی الاقبال است
طالب منشورانی طهرانی است و نیز صدرا تلامذتون اولی است و در
و اول جناب سعادت که علی الدوام جواب خوری هم ایام بگویند آن محرمی است
و مضارقه بر مسایل در کتب خارسته ملام حرام و برهیمه و برهیمه و برهیمه
الایام آنک غالب سیاه رها و جوادی طلیعه در آن مراد و کفایتی است
کتاب هدایه ربانی و عنایت نیز در آن لایله شرح هر یک است که کفایت
مقبول و بر خوب و نهامیده بستاریده و خوب و خوب شروع متقدیمی
احکام پیشین کی منسوخ است در و شرح استیلا فلک است کارکی عقود و انقیاد
العهدی برین بر این شرح فاشتر و شرح الفنا و تعلیق لری و عهدی است
حاکم لری و شرح المواقفه و شرح حاشی لطف لری و هفتاد و نه رساله
و اردر بر بری مقبول است از نظر اول و با فاضل و در کار می باشد است
بولشدر بسا ایام صادقان بودمان به از دره مثال فاکل برده است
عنایت و عاقل فکری و دانش شایع ضعیف بنه برورده و فکری و کوب
صدق و عاقل فکری لطف و حساس لری ماران و غیره و عاقل لری ماطن و ظاهر
دایم از نظر ظاهر بر ششم کرم سکر لری بل تا طر و حضان در لاجرم بود
تجربه حتمی و لویا طر عاقل فکری و عاقل لری و عاقل لری که اول حضرت و الا
رینتیک حکایت شکر المنعم و ارباب و غیره و جلال العاقل لری که رعایت فکری است
عمل با رفتن حایر بود و بر و وصف سبب سبب که ششم و اول سبب
عاجز و فاضل در برهون یک و سبب بارون کنش بیان و عیاقه **بیت**
مش طانرا ایم چنانکه کان • مفرح رس خنده بستاند کان • فسرده و لان را
بر آرم کجا • غم الووه کا نیز است و عکس است اما مشول ذات جلیل که رنگ
تعریف فی وجهه لطفه غم خواسی او زده انوار عجب رفیع جبین هندان لامع
چرا اول حضرت بر مکتب وجود **سما می** و **وجه هم فال شکر السجود** بیضا
آیا در بره کوا بری در حشر را نوار نغان ساطع و در تفرقه توصیف کنی و بیخ
و اطاردان مانند نور ذکا بیار مستغنی از **بیت** سخن عیج نو آرا سخن غرض است

که ترو اهل هنر و لقی بود ما را و کرانه منقبت افراست **بیت**
بمش طاروی رسا را سیر فضل از منقبت علی و فارسی و عربی است
اول ذات مضایق بکارک با و کا فخر انظار بر اعتدای و شرح است
سخاری و قطرات رخا بر خاطر بر کوا بری در که بر حجاب بر اولی
لعل کفایت او کینه و شکر بر سر و بر
پولو مه جان و برینه و مصلحت و بر
انمی هرگز دل سنگین نشسته
لعل شکر شکوه بر پیشانی خجسته
کرمش می تزیه کو بر پیشانی باران
کاشته جز جمال ایندی بنه هر و لر
کنج حسینه خیال بره اول هم بر لر
عرضه حسن ملاحظه مسرا بر لر
بو طاق کور عاقل فکری سی
لذات اغیار غنندن او یا بر لر
چند کجایت ماده دن غم جگر آریا
دادی دالی و اوسد را بسا لیدی شکر
کر بر عهد نبیه و فایده رسد و انان
طاشی تا شامی طاشیه اوروی کور
طیچی کو با یک ایمنی اخرا نه اول در
میگشت شکر می دید تو کبا لو موغز
جگشتن بره بی می کور با اصول
از دنا نورانی حکما ایکی گیسو لر
کا کل را لر اول کی سیاه ابرو لر
کاشن اچه سک جگر بر لر لر لر
با که ده بر لوسه و بر لر لر لر
حاطری صده کما سونک او لر لر

میل و مولود الفتن و العالم العالم کشف و عجب منکلمات حلال نور
الموضعا لکرم الاوصاف الاحراق عید المنزل في اللغاق • مجمع حقایق العلوم
مستطاب و قایق الحدود و الواسع مولانا الشیر طریقی سبک زاده جمال است
من الریح حسن الحسی و زنده بد عظمتی دفتر لوق نصی ایله نغز و ملام المنزی
لکن جناب جمال انصاف لایک مضمار و نسان کالانک خشمی در سمیت حاصل
فتیوة میله و لور شام با طبع ملند و از آن سنان فضل و عفا نده طران
و طاوسن نوا مکتب نژادی بر علم انقاده دوران ادب و راضی علم و اولی اب
سعی و طلیحی لایه سبب و کستان کمال و بونتن انصاف ایضالی جو سار جلد بسیار
و کوشش سعی بی شمار ایله سیر نور ذکا ایله حقاله و نور علم و فضیلت